

History in the Mirror
of Research:
An Academic Quarterly
Vol 5, No.2, Summer 2008

فصلنامه
علمی - تخصصی تاریخ در آینه پژوهش
صفحات ۱۳۷ - ۱۵۸
سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷



وضعیت شیعیان مصر در عصر صلاح‌الدین ایوبی

داوود کاظم پور *

چکیده

بررسی وضعیت شیعیان در جوامع مختلف و چگونگی برخورد حاکمان با آن‌ها غالباً از موضوعات مورد توجه برخی از محققان بوده است. در این مقاله ضمن بررسی وضعیت شیعیان در عصر صلاح‌الدین ایوبی به چگونگی به قدرت رسیدن او از دل حکومت فاطمیان در مصر و چگونگی برخورد او با تشیع اشاره می‌شود. در ضمن علل کم‌رنگ شدن تشیع در مصر نیز بررسی شده است.

واژگان کلیدی: تشیع، مصر، شیعیان مصر و صلاح‌الدین ایوبی.

مقدمه

حاکمان شیعه (ادریسیان و فاطمیان) حدود چهار قرن در شمال افریقا حکم راندند. ادریسیان زیدی مذهب و فاطمیان که محور اصلی بحث در این تحقیق هستند، جزء شیعیان اسماعیلیه محسوب می شدند. طبیعی است بنابر «الناس علی دین ملوکهم» مردم شمال افریقا (مصر) نیز شیعه بودند و حکومت های یاد شده، تمام تلاش خود را در همراه کردن مردم تحت امر خویش با تشیع به کار می بستند و در این راه توفیقات زیادی هم به دست آوردند. اما با سقوط فاطمیان و روی کار آمدن صلاح الدین ایوبی تقریباً تشیع به یک باره از آن سامان رخت بست. در این پژوهش برآنیم که در حد توان به این سؤال ها پاسخ گوئیم:

۱. برخورد صلاح الدین ایوبی با شیعیان و مذهب تشیع چگونه بوده است؟
 ۲. نقش تعصب در عملکرد و برخورد صلاح الدین با شیعیان چقدر بوده است؟
 ۳. صلاح الدین برای پیشبرد اهداف خود از چه ابزاری استفاده می کرد؟
- به نظر می رسد که صلاح الدین با تعصب بالای خود در جهت معحو شیعه در مصر تلاش کرده است و این همان فرضیه ای است که در این نوشتار به اثبات خواهد رسید. هدف از این تحقیق شناخت وضعیت شیعیان مصر در قرن ششم (عصر صلاح الدین ایوبی) است.

۱. تشیع در شمال افریقا (مصر) پیش از صلاح الدین ایوبی

طبیعی است که مردم مصر در عصر حکومت فاطمیان شیعه بوده و به مذهب و اعتقادات خود پای بند بودند. دستگاه خلافت با تأسیس مراکز علمی بزرگ، مثل الازهر و برپایی و جا انداختن مراسم و شعائر بزرگ شیعه، مثل عید غدیر^۱ (به عنوان مظهر حقانیت شیعه)، عاشورا^۲ (مظهر مظلومیت شیعه)، نیمه شعبان^۳ (یکی از اصلی ترین عقاید شیعه، یعنی انتظار) و سایر مراسم و بزرگداشت ها مردم را به مذهب، آشناتر و دلگرم تر می کردند و مردم هم به قصد نشان دادن میزان علاقه مندی خود به مذهبشان در این مراسم حضور فعال

داشتند. حکومت هم در این زمینه، مساعدت‌های لازم را انجام می‌داد و زمینه مناسب را برای انجام امور یاد شده فراهم می‌کرد. از نظر اقتصادی و اجتماعی هم اگرچه حکومت فاطمی گاهی اوقات با بحران‌هایی روبه‌رو بود، ولی در این دوره، آرامشی نسبی در جامعه حاکم بود،^۴ زنان از منزلتی خاص برخوردار بودند و سالخوردگان و بیوه‌زنان در مراکز خاصی نگهداری می‌شدند.^۵ به طور کلی از گزارش‌های تاریخی می‌توان نتیجه گرفت که مردم در این دوره، از نظر معیشتی و فرهنگی و برای انجام امور مذهبی خویش مشکل جدی نداشته‌اند. با توجه به حضور اسماعیلیان در مصر و اقدامات فرهنگی و فکری آن‌ها، در ادامه درباره آن‌ها بحث می‌شود.

یکی از فرقه‌های مهم شیعه، فرقه اسماعیلیه است. پیروان این فرقه به امامت اسماعیل، پسر امام صادق علیه السلام اعتقاد دارند. این در حالی بود که اسماعیل در زمان حیات امام صادق علیه السلام از دنیا رفت و آن حضرت نیز بارها بر امامت فرزند کوچک‌تر خود، امام موسی کاظم علیه السلام تأکید کرده بود.^۶

اسماعیلیه به دو گروه عمده تقسیم شدند: الف. گروهی قائل شدند که اسماعیل نمرده و قائم اوست. ایشان به اسماعیلیه خالصه شناخته می‌شدند.

ب. گروه دیگری معتقد شدند که امام صادق علیه السلام بعد از اسماعیل، نوه خود، یعنی محمد بن اسماعیل را به امامت منصوب کرده است. ایشان به نام مؤسس فرقه خویش، یعنی «اسماعیلیه مبارکه» شهرت یافتند.^۷

۲. حضور اسماعیلیه در مصر

از برخی منابع چنین بر می‌آید که پیش از ورود فاطمیان به مصر، مذهب تشیع برای مردم مصر شناخته شده بود. برای مثال، مقریزی قیام محمد بن ابی‌حذیفه در سال ۳۵۰ ق را در مصر که بر ضد دستگاه خلافت عثمانی صورت گرفت، دارای رگه‌های شیعی می‌داند. سپاهیان محمد بن ابی‌حذیفه بعد از کشته شدن

عثمان و هنگام ورود به مصر، این شعار را سر می دادند: ای اباالحسن امیرالمؤمنین علی علیه السلام خلافت را بگیر.^۸

از این رو می توان گفت که سال های متمادی قبل از ورود فاطمیان به مصر، تشیع در مصر نفوذ کرده بود. در فتح مصر بعضی از دوست داران اهل بیت علیهم السلام، مثل مقداد، ابوذر و... حضور داشته اند،^۹ به همین دلیل می توان گفت که حضور شیعه در مصر، مقارن با فتح مصر توسط سپاهیان اسلام است. این شخصیت ها با حضور خویش در مصر توانستند آموزه های شیعی را بین مردم گسترش دهند. مهاجرت علویان به مصر موجب این شد که مردم مصر با این مذهب آشنا شوند. پس از روی کار آمدن عباسیان، علی بن محمد بن عبدالله که از فرزندان امام حسن علیه السلام و نخستین مهاجر علوی به مصر بود، مردم را به مبارزه با دستگاه جور دعوت کرد.^{۱۰} طبیعی است که حضور چهره های مخالف با دستگاه حاکم در شهرهای مختلف، نتایجی از جمله تبلیغ و نشر افکار و عقاید آن ها را در پی خواهد داشت.

در مصر نیز وضع بر همین منوال بود و تشیع به سبب مهاجرت افراد (چه مخالف با دستگاه و چه غیره) در این کشور نفوذ کرد و با وجود موانع متعدد به رشد و گسترش خویش ادامه داد و مردم مصر این مذهب را پذیرفتند، گرچه گاهی برای حفظ این عقیده و برپایی شعائر شیعه با مشکلاتی روبه رو بودند. مقریزی از درگیری سربازان و عمال دولتی با مردمی که در روز عاشورا در سال ۳۵۰ ق در جوار مرقد ام کلثوم علوی مشغول عزاداری بودند، گزارش می دهد.^{۱۱}

متوکل عباسی در سال ۲۳۴ ق فرمان اخراج علویان را از مصر صادر کرد. بعد از او المستنصر فرمان داد هیچ کس حق معامله با علویان را ندارد، اگر میان یک علوی و دشمن علوی، دشمنی رخ داد، بدون مدرک و دلیل سخن دشمن علوی پذیرفته شود. این سخت گیری حاکمان با شیعه در مصر به خوبی این نکته را روشن می سازد که مصر با شیعه و تشیع هم خوانی داشته و گرنه چه دلیلی داشت که حاکمان وقت این گونه رفتار کنند.

خلفای فاطمی مصر، از پیروان فرقه اسماعیلیه مبارکیه بودند که پس از

تلاش‌های فراوان بالأخره در سال ۳۵۸ق با ناتوان شدن اخشیدیان و رشادت‌های سردار بزرگ خود، جوهر سیسلی توانستند مصر را فتح کنند.

المعز، خلیفه فاطمی در روز سه‌شنبه هفتم ماه مبارک رمضان در سال ۳۶۲ در قصرش مستقر شد و بدین ترتیب، حکومت فاطمیان در مصر به طور رسمی آغاز شد.^{۱۲} با فتح مصر به دست فاطمیان، خلفای فاطمی به گسترش و نشر مذهب اسماعیلی همت گماردند و در این راه، توفیق‌های چشم‌گیری داشتند تا جایی که مذهب اسماعیلی، مذهب رسمی آن سرزمین قرار گرفت.

۲- ۱. مهم‌ترین اقدامات فاطمیان

در عصر فاطمی، تشیع به خوبی در مصر متجلی شد. جلوه‌های ظهور تشیع عبارت بود از:

- الف - سر دادن ندای «حی علی خیر العمل» در اذان؛
- ب - آشکار شدن احادیث و روایاتی که بر افضلیت امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام دلالت داشت؛
- ج - اضافه شدن مناسبت‌هایی، مثل عاشورا، جشن‌های نیمه شعبان، غدیر، میلاد امام علی و سایر ائمه علیهم‌السلام به مراسم و مناسبت‌های مصری‌ها؛
- د - تشکیل مجالس برای یادگیری علوم اهل بیت علیهم‌السلام.^{۱۳}

مصریان در دوره خلیفه العزیز، پنجمین خلیفه فاطمی، نخستین بار سوگواری برای امام حسین علیه‌السلام را در روز عاشورا تجربه کردند.^{۱۴} مقریزی در مورد سوگواری مصریان برای امام حسین علیه‌السلام چنین گزارش می‌دهد: اداره‌های دولتی و مغازه‌ها و محل‌های تجارت، سه روز مانده به عاشورا تعطیل می‌شد و فقط نانوايي‌ها به فعالیت می‌پرداختند.^{۱۵}

به هر حال، با حضور فاطمیان در مصر، مردم این دیار به مذهب آن‌ها گرویدند و مذهب تشیع در این کشور به صورت رسمی طرفداران و پیروان فراوانی پیدا کرد.

۲- ۲. سقوط فاطمیان در مصر

حکومت فاطمیان در اواخر دوره خود، دو ویژگی عمده داشت:

الف. وزیران فاطمی قدرت فوق العاده‌ای پیدا کردند؛^{۱۶}

ب. سست شدن پایه‌های حکومت؛ بدین ترتیب که وزیران قدرت یافته، بر سر تصاحب قدرت به کشمکش و نزاع با هم پرداختند. مقریزی از اختلاف بین ابن سلار و عباس ضهاجی، دیگر وزیر وقت فاطمی در عصر خلافت الظاهر گزارش می‌دهد که در پی این نزاع، ابن سلار کشته می‌شود و این امر موجب تسلط صلیبی‌ها بر بخش‌هایی از فلسطین فاطمیان می‌شود.^{۱۷} گاهی این اختلافات به اهل شمشیر نیز می‌رسید؛ یعنی بعضی از وزیران با امیران سپاهی اختلاف داشتند و این رخداد بر بی‌رمق کردن هرچه بیشتر دستگاه خلافت فاطمی می‌انجامید. به عنوان نمونه می‌توان به اختلاف وزیر فاطمی (رزیک) با امیر سپاهیان (شاور) نام برد که البته شاور بعداً به مقام وزارت هم رسید.^{۱۸}

به نظر می‌رسد که با وجود چنین وضعیتی حضور یک وزیر مخالف و مغرض می‌تواند ضربات محکمی به پیکره چنین حکومتی بزند و این ضربات وقتی کاری می‌شود که خلیفه نیز سست و ضعیف شده باشد، چنان‌که وقتی شیرکوه در دستگاه خلافت فاطمی به مقام وزارت رسید حقیقت فوق تحقق یافت و بی‌رمقی و سستی دولت فاطمی به حدی رسیده بود که شیرکوه، امیر سنی مذهب و هم‌پیمان خلیفه بغداد به وزارت تعیین شد و روند سقوط دولت فاطمی سرعت گرفت.^{۱۹}

۳. صلاح‌الدین ایوبی در یک نگاه

یکی دیگر از موضوعاتی که پیش از ورود به مباحث اصلی باید به آن پرداخته شود، شناخت صلاح‌الدین ایوبی و آشنایی با شخصیت و روحیات و ویژگی‌های اوست. در ابتدای این قسمت ذکر این نکته ضروری است که صلاح‌الدین ایوبی در جهان اسلام به عنوان چهره‌ای جهادگر مطرح است و این موضوع سبب شده که محبوبیت او به میزان چشم‌گیری در بین مسلمانان زیاد شود، به ویژه آن‌که آزاد شدن بیت المقدس توسط او از دست صلیبیان، او را در جهان اسلام چهره‌ای کاملاً مقدس ساخته و مسلمانان برای او همواره احترامی خاص قائل‌اند. البته جدای از

محبوبیت تاریخی صلاح الدین ایوبی، این اقدامات وی سبب محبوبیت او در زمان خودش هم بوده است. گفتنی است که این موضوع بر قلم کسانی هم که زندگی نامه صلاح الدین را نوشته اند تأثیر گذاشته به طوری که در معرفی وی گاهی دچار تعصب و افراط شده اند.

صلاح الدین که شهرتش بیشتر به سبب شرکت در جنگ های صلیبی (۵۳۲ق/ ۱۱۳۸م) است در تکریت و به قولی در کرکوک واقع در کردستان عراق دیده به عالم خاکی گشود.^{۲۰} او در بین مسلمانان به «الملك الناصر»^{۲۱} ملقب گردیده است. پدرش امیر نجم الدین ایوبی در زمان عماد الدین زنگی حاکم شهر بعلبک بوده است. از همان دوران کودکی علاقه شدیدی به یادگیری فنون جنگی، خصوصاً شمشیربازی و جنگ با خنجر داشت و بالأخره در این فنون، مهارت هایی به دست آورد.^{۲۲} از گزارش های تاریخی چنین برمی آید که او دلبستگی عمیقی به اسب و سلاح داشت. شهر بعلبک از جمله شهرهایی است که صرف و نحو و لغت و تا حدودی هم فقه در آن شهر از جایگاه خوبی برخوردار بوده است.^{۲۳} بعید نیست که صلاح الدین در کسب این علوم هم تلاش هایی داشته هرچند گزارش موثقی در این زمینه نداریم. وی در همه امور، به ویژه در امور مذهب تعصب داشت و - چنان که بعداً اشاره خواهد شد - برای تثبیت پایه های مذهب اهل تسنن تلاش های زیادی کرد.

بعد از مرگ عمویش شیرکوه که مقام وزارت خلیفه فاطمی، العاضد را عهده دار بود، منصب وزارت خلیفه فاطمی را عهده دار شد. حضور صلاح الدین در دستگاه خلافت فاطمی مقارن بود با ضعیف شدن دستگاه حکومت و تحلیل قدرت فاطمیان، و همین سستی حکومت باعث شد صلاح الدین در اجرای برنامه های خود و رسیدن به اهداف خود توفیق بیشتری به دست آورد. البته صلاح الدین از پشتوانه نظامی و رجال دولتی برخوردار نبود و عاضد هم به همین دلیل که او از پشتیبانی رجال و نظامیان برخوردار نیست و توان مخالفت با حاکمیت را ندارد، او را به مقام وزارت برگزید.^{۲۴} ولی با این حال با بهره گیری از استعداد ذاتی خویش و همت فراوان برای به دست آوردن قدرت، توانست به همه اهداف خویش برسد. او

در این راه به جلب حمایت خلافت عباسی روی آورد و اگر قول مساعدت خلافت عباسی به او و جاه طلبی شخصی او نبود هرگز ممکن نبود که صلاح الدین به این همه توفیق دست یابد.

صلاح الدین ایوبی پس از یک عمر جنگ و خونریزی در سال ۵۸۹ق در سن ۵۷ سالگی و بعد از طی یک دوره بیماری درگذشت.^{۲۵}

۴. اقدامات صلاح الدین ایوبی در براندازی مذهب شیعه

شکی نیست که بنیان‌گذار سلسله ایوبیان یک سنی متعصب و شافعی تمام عیار بود و وقتی به قدرت رسید تمام سعی خود را در نشر این مذهب و جایگزین کردن آن به جای مذهب فاطمیان به کار گرفت.^{۲۶}

اقدامات او در مصر برای محو شیعه از لحاظ زمانی به دو دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوران وزارت، ۲. دوران حکومت.

وی در دوران دو ساله وزارت خود اقدامات و فعالیت‌های چشمگیری در جهت تغییر مذهب انجام داد. او پس از رسیدن به مقام وزارت به تدریج به تضعیف مذهب اسماعیلی و تقویت تسنن و ایدئولوژی آن‌ها پرداخت. این اقدامات وی زمانی صورت می‌گرفت که هنوز خلیفه فاطمی بر اریکه قدرت تکیه زده و صلاح الدین در مقام وزارت به تضعیف سازمان‌های مذهب فاطمی می‌پرداخت. این مسئله، نشان دهنده اوج انحطاط و زوال در دستگاه فاطمی است.

۴-۱. اقدامات صلاح الدین در تضعیف تشیع در عصر وزارت

صلاح الدین ایوبی به محض رسیدن به وزارت فعالیت خود را برای از بین بردن مذهب تشیع آغاز کرد. مهم‌ترین اقدامات او در زمان وزارتش برای محو کردن مذهب اسماعیلی عبارت بود از:^{۲۷}

۴-۱-۱. عبارت «حی علی خیر العمل» را که به عنوان یک شعار برای مذهب شیعه مطرح است، از اذان حذف کرد. این حادثه در دهم ذی حجه سال ۵۶۵ اتفاق افتاد.

۴- ۱- ۲. دستور داد تا نام خلفای راشدین در هر خطبه برده شود.^{۲۸}

۴- ۱- ۳. تشکیک در نسب فاطمیان را دوباره مطرح ساخت.^{۲۹}

۴- ۱- ۴. تغییر قاضیان از دیگر اقدامات او در جهت محو تشیع بود. همان‌طور که

می‌دانیم امر قضا تابع دین (مذهب) هر کشوری است؛ یعنی قاضی بر اساس مذهب و آیین مردم حکم می‌کند. بر این اساس، نمی‌توان در یک جامعه شیعی بر اساس فتوای شافعی و یا مالکی و... حکم قضایی داد، به همین سبب صلاح‌الدین در ادامه اقداماتش برای تغییر مذهب، مجبور به تغییر قضات شد و این در حالی بود که تغییر مذهب هنوز کاملاً اجرا نشده بود و صلاح‌الدین با این کار سعی داشت مردم را مجبور کند دست از مذهب خویش بردارند و تن به مذهب دیگری (شافعی) بدهند. او بر این اساس، قاضیان شیعه را عزل کرد و منصب قضاوت در مصر را در تاریخ یازدهم جمادی‌الثانی سال ۵۶۶ به قاضی صدرالدین عبدالملک بن عیسی بن مارانی شافعی سپرد.^{۳۰}

۴- ۱- ۵. اصلاح ساختار اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم یکی دیگر از اقدامات

اوست. به طور کلی وضعیت معیشتی مردم ارتباطی تنگاتنگ با حمایت مردم از حکومت وقت دارد؛ هرچه اوضاع اقتصادی مردم بهتر باشد و رضایت‌مندی مردم حاصل شود میزان حمایت آن‌ها از حکومت می‌تواند بیشتر شود، به‌ویژه در جوامعی که حرکتشان به سمت مادی‌گری در مقایسه با امور معنوی و مذهبی بیشتر است. به همین سبب صلاح‌الدین در زمان وزارتش زمینه اقتصادی نسبتاً خوبی برای مردم فراهم کرد تا در این بستر بتواند به اهداف خود که همان براندازی حکومت و مذهب شیعیان فاطمی در مصر بود، برسد. در این زمینه دو کار مهم توسط صلاح‌الدین ایوبی انجام گرفت:

الف - پیاده کردن نظام اقطاع: صلاح‌الدین در قبال واگذاری زمین به افراد از آن‌ها تعهد می‌گرفت که در مواقع خطر، حامی او باشند. طبیعی است کشاورزی که حیاتش در گرو داشتن زمین است وقتی مالک زمین می‌شود نسبت به اهداکننده زمین وفادار می‌شود و نه تنها خود کشاورز و زارع، بلکه خانواده و اهل و عیالش هم مثل او تابع فرمانروا می‌شوند.

ب - سر و سامان دادن اوضاع اقتصادی مردم: این اقدام وی مقارن بود با اوضاع نابسامان اقتصادی در اواخر حکومت فاطمیان که مردم مجبور بودند سالانه مبلغ دویست هزار دینار به حکومت مالیات بدهند.^{۳۱} آنان یک‌باره به دستور صلاح‌الدین از پرداخت مالیات معاف شدند. تأثیر چنین اقدامی در جامعه و ارتباط مستقیم این تصمیم صلاح‌الدین با حمایت و همراهی مردم با او روشن است. جالب این‌که همه این کارها در زمان وزارت ایشان و سال‌های اولیه به قدرت رسیدنش صورت گرفت. این اقدامات او حاکی از این است که صلاح‌الدین برای نیل به اهداف خود چقدر حساب شده و دقیق عمل کرده است.

۴ - ۱ - ۶. تأسیس مدارس علمیه شافعی از دیگر فعالیت‌های او در زمان تصدی مقام وزارت بود که این مدارس با تربیت طلاب و دانشجویان و سپس تبلیغ مذهب شافعی توسط ایشان کمک شایانی به تغییر مذهب در مصر کردند. در صفحات بعدی به نقش مدارس علمیه در پیشبرد اهداف صلاح‌الدین و حمایت بی‌دریغ صلاح‌الدین در زمان حکومتش از این مراکز علمی بیشتر اشاره می‌شود.

اگرچه برخی منابع علت این همه توفیق برای صلاح‌الدین را بیماری العاضد، آخرین خلیفه فاطمی می‌دانند و عدم اطلاع او از حرکت‌های خزنده صلاح‌الدین را باعث پیشرفت صلاح‌الدین در امور مدنظر خود می‌دانند، ولی واقعیت چیز دیگری است که در این جستار نمی‌گنجد و فقط باید اشاره کنیم که توفیقات اقتصادی و اجتماعی وی، به‌ویژه در اواخر حکومت فاطمیان به این دلیل بود که آن‌ها نتوانسته بودند رضایت مردم را، چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه‌های فکری و معنوی، جلب کنند و اتفاقاً صلاح‌الدین از همین خلأ استفاده کرد و توانست به آن‌چه در سر می‌پروراند برسد.

این‌ها از مهم‌ترین اقداماتی بود که صلاح‌الدین در زمان تصدی وزارت خویش برای تغییر مذهب انجام داد اگرچه با مخالفت‌های مردمی شدیدی روبه‌رو شد ولی بدون توجه به این مخالفت‌ها و احیاناً نگرانی‌های علمای شیعه و مردم کار خود را ادامه می‌داد و در این راه آرام و بدون تنش و به دور از ایجاد هرگونه درگیری حرکت می‌کرد.

به نظر می‌رسد صلاح‌الدین در این باره، همان رفتاری را از خود نشان داد که سلجوقیان مرتکب آن شدند.

صلاح‌الدین ایوبی چه به سبب عقاید سنی خود و چه به سبب علاقه به قدرت و برپایی دولت برای خاندان خود، از همان ابتدای ورود به صحنه سیاست فعالیت چشم‌گیری را برای براندازی مذهب و دولت فاطمی آغاز نمود. وی برای رسیدن به اهداف خود چاره‌ای نداشت جز این‌که حمایت خلافت عباسی را پشت سر خود داشته باشد و از طرف دیگر خلیفه عباسی هرگز دوست نداشت که شمال آفریقا توسط یک حکومت شیعی اداره شود، از این رو، هم خلافت عباسی نیازمند تغییر و تحول در آن بود و هم صلاح‌الدین چاره‌ای جز این نداشت که از پشتیبانی و رضایت خلافت عباسیان برخوردار باشد، به همین سبب خود را ملزم به برافراشتن رایت عباسیان در مصر کرد.^{۳۲}

۴-۲. پایان دولت فاطمی و آغاز حکومت صلاح‌الدین

اگرچه در سال‌های پایانی دولت فاطمی، این دولت عملاً به دست صلاح‌الدین ایوبی قبضه شده بود و زمام امور به دست او بود به طوری که در یک اقدام کاملاً عجیب در هفتم محرم ۵۶۷ نام خلفای فاطمی را از خطبه حذف کرد و نام عباسیان را در خطبه خواند،^{۳۳} با این حال، دولت فاطمی به طور رسمی در دهم محرم همان سال پایان یافت؛ یعنی وقتی عاضد آخرین خلیفه فاطمی در شب عاشورای همان سال (۵۶۷ ق) از دنیا رفت صلاح‌الدین ایوبی طی خطبه‌ای پایان دولت فاطمی و آغاز حکومت خود را اعلام کرد. بدین صورت، تشیع فاطمی در مصر با یک چالش جدی روبه‌رو شد و بار دیگر یک هجمه تمام‌عیار در برابر این مذهب خودنمایی کرد و پرچم سیاه عباسی دوباره در مصر برافراشته شد.

۴-۳. صلاح‌الدین ایوبی و مبارزات او با مذهب تشیع در عصر حکومتش

گرچه صلاح‌الدین ایوبی پیرو مذهب اهل تسنن بود و در پی تثبیت پایه‌های مذهب

سنی (شافعی) در مصر بود، اما باید توجه داشت که صلاح‌الدین ایوبی در رسیدن به این هدف، بیشتر توجه خود را به انجام کار فرهنگی در این زمینه معطوف داشت تا کار نظامی، زیرا هنوز حرکت‌های شیعی در مصر نیرومند بود و تغییرات سریع توأم با خون‌ریزی، واکنش علویان را در پی داشت و این قطعاً به ضرر صلاح‌الدین ایوبی بود، از این رو در براندازی مذهب اسماعیلیان در مصر به عامل نظامی‌گری کمتر توجه داشت. البته همان‌طور که بعداً خواهیم گفت - در این راه از راه کار نظامی هم استفاده کرد، ولی با زمینه‌سازی و بسترسازی سعی کرد به صورت فکری و ایدئولوژی به این مهم برسد.

انزوای کامل شیعه در مصر و تقویت مذهب شافعی بزرگ‌ترین هدف صلاح‌الدین در مصر بود که برای رسیدن به این هدف دو راه انتخاب کرد: ۱. روش نظامی، ۲. روش فرهنگی.

۴-۳-۱. برخورد نظامی و سرکوب حرکت‌های شیعی: همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد این روش مدنظر صلاح‌الدین ایوبی نبود، ولی گاهی صلاح‌الدین برای دستیابی به هدف، مخالفان شیعی خود را سرکوب و با شیوه‌های نظامی و فیزیکی به قتل می‌رساند یا گرفتار تبعید و زندان می‌کرد.

سپاه مصر که هم‌چنان وفادار به حکومت فاطمی بود، خطر اصلی برای ایوبیان تازه به دوران رسیده بود. صلاح‌الدین گروه سربازان «صلاحیه» را که از سربازان نظامیان اسدالدین شیرکوه و مملوکان ترک بودند، تشکیل داد و با پشتیبانی آن‌ها قیام و تحرک سپاهیان مصر را سرکوب و فرماندهان ارشد و سربازان مخالف دولت ایوبی و حامی دولت فاطمی را به منطقه صعيد تبعید می‌کرد.^{۳۴}

با از پیش رو برداشتن سپاهیان مصر و سرکوب خونین مخالفان دولت ایوبی، راه برای ادامه دست یازیدن صلاح‌الدین بر ملک و مُلک مصر باز و هموار شد و صلاح‌الدین ایوبی راحت‌تر توانست به تباه ساختن عقاید مصر و شیعیان بپردازد. با از بین بردن سپاهیان مصر به عنوان اصلی‌ترین خطر پیش رو، توانست گام بلندی برای کسب قدرت در مصر بردارد.

برای شیعیان مصر و هواداران فاطمی بسیار ناگوار بود که فرد سنی متعصبی به حکومت شیعی فاطمی خاتمه دهد و بر آنان حاکم شود، از این رو مخالفت‌های گسترده‌ای با صلاح‌الدین ایوبی صورت می‌گرفت که بعضی از آن‌ها موجب درگیری‌های خونین بین ایوبیان و مخالفان برای بازپس‌گیری حکومت فاطمی و رسمی شدن دوباره مذهب تشیع می‌شد. مثلاً در شوال ۵۶۹ بزرگ‌ترین و شدیدترین حمله به صلاح‌الدین برای برگرداندن حکومت و خلافت صورت گرفت.^{۳۵} این مخالفان و ستم‌دیدگان به رهبری عماره یمنی بزرگ‌ترین برخورد و دادخواست را علیه صلاح‌الدین ایوبی و عمال او رقم زدند. بسیاری از هواداران فاطمی و شیعیان ناراضی از حکومت صلاح‌الدین سنی و زخم‌دیدگان و ستم‌کشیدگان از ایوبیان در این اعتراض، عماره یمنی را همراهی کردند و قصد اصلی آن‌ها احیای دوباره مذهب شیعه در مصر بود. شروع این قیام و حرکت، مقارن بود با حمله ناوگان صلیبی‌ها به بندر اسکندریه که این حمله به موفقیت مردم معترض کمک کرد و در نهایت، تلاش و مجاهدت آن‌ها باعث شد که بر حکومت ایوبی چیره شوند و دوباره حکومت از آن فاطمیان شود. پسر بزرگ العاضد، خلیفه متوفای فاطمی به عنوان خلیفه برگزیده شد و مناصب و پست‌های دولتی از اشغال ایوبیان درآمد و دوباره رائج حکومت شیعی بر فضای مصر وزیدن گرفت. بر اثر خیانت یکی از عالمان طرف‌دار صلاح‌الدین که در بین قیام‌کنندگان حضور داشت،^{۳۶} صلاح‌الدین توانست دوباره بر مخالفان مسلط شود و با اعدام رهبران مبارزان سیاسی خود و نیز تبعید و شکنجه آن‌ها توانست این حرکت انقلابی را متوقف سازد. این عالم که علی بن نجا نام داشت از فقیهان و واعظان بود که اخبار و برنامه‌های قیام‌کنندگان را به اطلاع دستگاه حکومت ایوبی رساند.^{۳۷}

این واصل در مورد چگونگی برخورد صلاح‌الدین با مخالفان سیاسی خود در این قیام چنین می‌نویسد: رهبران قیام خیلی زود توسط صلاح‌الدین ایوبی اعدام شدند و تعداد زیادی از مبارزان به مناطق دوردست در صعيد تبعید شدند، به گونه‌ای که هیچ کس از طرف‌داران فاطمی باقی نماند.^{۳۸}

این که صلاح الدین ایوبی با این کیفیت با امیران جنگی برخورد کرده از نکته های قابل توجه است که توسط صلاح الدین و با همراهی فقیهان و علمای اهل تسنن با او که هرگز یک حکومت شیعی را نمی پسندیدند، صورت گرفت. البته با این حال، حرکت شیعی خواهی و تلاش برای برگرداندن حکومت شیعی قطع نشد و این شعله بار دیگر در منطقه صعید و اُسوان سر بر آورد.^{۳۹} رهبری این قیام و شرکت کنندگان و همراهی کنندگان، همه از تبعیدشدگان توسط صلاح الدین بودند که با وجود این که در تبعید و شرایط سخت به سر می بردند، ولی از حرکت آرمان خواهانه خود دست برنداشتند و جالب این که مردم صعید و نیروهای نظامی مصر که توسط صلاح الدین به انزوا رانده شده بودند بر اثر روشن گری های رهبران این قیام از جمله کنزالدوله، با این قیام همراهی کامل نمودند. صلاح الدین ایوبی می دانست که اگر خود شخصاً برای سرکوب این قیام راهی منطقه صعید شود مردم قاهره دوباره فریاد اعتراض سر خواهند داد از این رو برادرش را برای سرکوب شیعیان فاطمی در صعید گسیل کرد و برادرش توانست این انقلاب را در نهال، ریشه کن سازد و ضمن اعدام بزرگان و رهبران قیام بسیاری از سربازان و طرفداران آن ها را به اسارت و بند کشید. ابن شداد درباره چگونگی برخورد دستگاه ایوبی با این معترضان چنین می نویسد:^{۴۰} عادل با غلبه بر معترضان، عباس و کنز، از رهبران قیام را کشت و بسیاری از طرفداران آن ها را به بند کشید. این حادثه که در صفر ۵۷۰ رخ داد به فرار تعداد زیادی از قیام کنندگان به سرزمین «نوبه» منجر شد.

همان طور که قبلاً ذکر شد اگرچه صلاح الدین فاکتور نظامی را برای پیاده کردن اهداف خود خیلی نمی پسندید و می دانست که در صورت روی آوردن به اسلحه برای سرکوب مردم شیعه، ضرر بزرگی متوجه خود و خاندانش می شود، اما با این حال، وی هم چون بعضی حاکمان که برای رسیدن به اهداف و انگیزه های خود از تمام توان خود استفاده می کنند، حاضر بود در صورت لزوم به هرچه که به شوکت و قدرتش استقامت و استدامه می بخشد، فکر کند و به آن جامه عمل بپوشاند. در سال های ابتدایی حکومت صلاح الدین ایوبی ساقط کردن و تعقیب روافض از

کارهای جدی زمامداران وقت بود.^{۴۱} در این عصر، رافضی بودن جرم محسوب می‌شد و شیعه به عنوان مجرم از سوی قاضیانی که صلاح الدین از میان اهل سنت انتخاب کرده بود، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گرفت.

در چنین فضای اختناقی که برای شیعیان فراهم شده بود طبیعی بود که نهال شیعه رو به زردی و فرسودگی نهد و شیعیان برای حفظ عقیده و مذهب خود با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو باشند و می‌توان به راحتی این عصر را با عصر حکومت حاکمان سنی متعصب که تیغ از نیام کشیده و رافضی می‌جستند، مقایسه کرد.

۴-۳-۲. اقدام فرهنگی: همان‌طور که در صفحات گذشته هم اشاره شد صلاح الدین ایوبی اگرچه به اقدام نظامی و سرکوب فیزیکی شیعیان هم رو آورد، ولی برای از بین بردن تشیع در مصر بیشتر کار فکری و فرهنگی می‌کرد و می‌کوشید تا با تغییر عقاید و افکار، موجبات تغییر مذهب را در مصر ایجاد کند. در این راستا اقدامات زیر توسط صلاح الدین صورت گرفت:

الف. حمایت از علمای (اهل تسنن): نقش علما و فقها به عنوان پدران معنوی و روحانی برای توده‌های مختلف مردم در تقویت و تثبیت دین و مذهب قابل انکار نیست. حضور پررنگ و فعال عالمان دینی موجب می‌شود که مردم در عمل و تعهد به فرامین دینی و آموزه‌های مذهبی، سخت‌کوش‌تر باشند. این علما هستند که مردم را به انجام احکام الهی و پای‌بندی به شعایر دینی و مذهبی تشویق می‌کنند و مردم در سایه‌سار عالمان و دانشمندان دین خود به انجام تکالیف خود راغب‌ترند و طبیعی است که در چنین فضایی، مذهب (اهل تسنن یا هر مذهب دیگری) بار می‌گیرد و دیگر فرقه‌ها که از نعمت پشتیبانی و حمایت معنوی (فقها و اندیشمندان دینی) بی‌بهره‌اند، در انزوای کامل به سر می‌برند.

صلاح الدین می‌کوشید در حکومت خود میان «سیف» و «قلم» جمع کند؛ بدین صورت که قدرت و دولت را در خدمت اهل علم و اهل قلم قرار داده و از حمایت آن‌ها بهره‌لزم را ببرد. صلاح الدین خوب دریافته بود که اگر یاری علمای اهل تسنن را نداشته باشد برای تغییر مذهب در مصر ناکام خواهد بود، از این رو تمام توان را

به خدمت گرفت تا نظر مساعد علمای سنی مذهب را جلب کند و در این راه، توفیق چشم‌گیری به دست آورد. او تابع محض فقیهان سنی مذهب شد و از هیچ خدمتی نسبت به آن‌ها دریغ نکرد. همین خدمات و کمک‌های مادی و معنوی صلاح‌الدین به علما بود که باعث شد علمای زیادی از سایر نقاط جهان اسلام به خدمتش می‌رسیدند^{۴۲} و صلاح‌الدین در کنف حمایت این عالمان راحت‌تر به مقاصد شوم خود دست می‌یازید.

نمونه‌های فراوانی از اطاعت بی‌چون و چرای صلاح‌الدین از علما در تاریخ وجود دارد که نمونه بارز آن، اصرار بر اعدام حکیم سهروردی (شیخ اشراق) توسط صلاح‌الدین است که به تحریک و دستور فقه‌های زمان صورت گرفت.^{۴۳}

جلب رضایت علما توسط صلاح‌الدین وقتی به اوج رسید که او به عنوان یک مجاهد و غازی مطرح بود، چنان‌که پیش از این گفته شد فتح بیت المقدس توسط او و جنگ‌هایی که با صلیبیان کرد بسیار بر محبوبیت او بین مردم، به‌ویژه علما افزود. صلاح‌الدین نه تنها در راه اداره امور جامعه و اقناع مردم و دعوت گروه‌های مختلف مردم به مذهب اهل تسنن و ارادت به دستگاه عباسی از علما کمک می‌گرفت، بلکه در میادین جنگ نیز از حضور علما استفاده می‌کرد. محمد سهیل طقوش در این باره چنین می‌گوید: ارتش صلاح‌الدین متشکل از کردها (همشهریان و هم‌نژادان صلاح‌الدین) ترک‌ها (نیروهای وفادار به خاندان عباسی) و افراد داوطلب بود... شرکت علما و فقها در جهاد از طریق مبارزه عملی و نیز از طریق ترغیب سربازان و ایجاد روحیه در آن‌ها و یادآوری قهرمانان پیشین مسلمان به آن‌ها بود.^{۴۴}

ترویج روحیه شهادت‌طلبی در میان نیروهای رزمنده توسط عالمان دینی سبب می‌شد که مردم به شوق شهادت دلیرانه‌تر بجنگند.

پیوند عمیق و ناگسستنی عالمان سنی با دستگاه حکومتی صلاح‌الدین، بر انزوای شیعیان اثر بزرگی گذاشت. اتحاد نامیمون اهل سیف و اهل قلم با عالمان دینی موجب به حاشیه رفتن هرچه بیشتر شیعیان و محو کامل آن‌ها از جامعه مصر شد. طبیعی است مذهبی که هم حکومت وقت و هم فضای علمی

و فقهی حاکم بر جامعه کمر به نابودی اش بسته‌اند، محکوم به زوال است و پیروان این مذهب به جز اندکی، چاره‌ای جز وداع با این مذهب را ندارند و آن‌هایی هم که می‌مانند از ضریب امنیتی بالایی برای پای‌بند بودن به مذهب خویش برخوردار نیستند.

اعزام عالمان سنی مذهب به مراکز شیعه از دیگر اقدامات صلاح الدین ایوبی برای محو تشیع بود. این عالمان به شهرها و مراکز شیعه‌نشین هجرت کرده تا علیه معتقدات و شعائر مذهب شیعه تبلیغ کنند و این در حالی بود که علمای شیعه یا در تبعید به سر می‌بردند و یا در انزوای کامل اجتماعی - سیاسی بودند. برای نمونه، می‌توان از حضور قاضی بهاء الدین در شهر اسنا اشاره کرد، شهر اسنا در صعيد مصر، از شهرهای شیعه‌نشین و کانونی منسجم برای شیعیان بود.^{۴۵} این عالم سنی در این شهر به فعالیت پرداخت و توانست عده زیادی را همراه خود سازد.

۲. تأسیس و رونق بخشیدن به مدارس علمیه اهل تسنن: نقش حوزه‌های علمیه در تقویت و تحکیم مذهب بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در طول تاریخ اسلام مراکز علمی و حوزه‌ها و مدارس علمیه نقش اول را در حفظ و تبلیغ و نشر مذهب‌های مختلف داشته‌اند. در این حوزه‌ها و مدارس، مبلغان و عالمان دینی مسلح به سلاح علم و دانش شده و رهسپار جامعه می‌شوند تا در میان توده‌های مردم به بیان احکام دین بپردازند. هم‌چنین در همین مراکز علمی دینی است که مبانی و اصول دین و مذهب تبیین می‌شود، شبهات مختلف بر ضد مذهب توسط این مراکز پاسخ داده می‌شود و آموزه‌های مذاهب مخالف در این حوزه‌ها به چالش کشیده می‌شود. صلاح الدین در شکوفایی مراکز علمی و آموزشگاه‌های دینی بسیار کوشش کرد. او به خوبی دریافته بود که رونق بخشیدن به این مراکز تا میزان قابل توجهی می‌تواند او را در رساندن به اهدافش یاری کند، از این رو به تأسیس و تقویت مدارس علمیه کمر همت بست. عصر او را باید عصر شکوفایی مدارس علمیه (سنی) دانست.^{۴۶} مدارس علمیه در عصر او از آن شافعیان بود. به جز خود

صلاح الدین، سایر امرا و وزرایش هم به ساخت مدارس علمیه روی آورده بودند؛ گویا ساخت و تعمیر مدارس علمیه به صورت کاملاً نظام‌مند در عصر او پی‌گیری می‌شده است، مثلاً مدرسه فاضلیه توسط قاضی الفاضل ساخته و اداره می‌شد.^{۴۷} برخی از مدارس علمیه تأسیس شده در زمان حکومت صلاح الدین عبارت‌اند از:

۱. تأسیس مدرسه دارالغزل^{۴۸} (برای مالکی‌ها)؛
۲. تبدیل زندان شحنة در قاهره به مدرسه‌ای برای شافعی‌ها؛^{۴۹}
۳. تخریب دارالمعونه و تبدیل آن به مدرسه شافعی؛
۴. تأسیس مدرسه ناصریه در قاهره برای شافعیان؛
۵. تأسیس مدرسه قمحیه برای حنفیان؛
۶. تأسیس مدرسه فاضلیه در مصر برای شافعیان؛
۷. تأسیس مدرسه صلاحیه تاج‌المدارس.^{۵۰}

در چنین فضایی بود که مذهب فاطمیان مورد هجوم وسیع در بُعد فرهنگی و علمی قرار گرفت و ذره‌ذره روبه‌محو شدن نهاد. از آن‌جا که صلاح الدین ایوبی به خوبی دریافته بود که علما و مدارس علمیه و حوزه‌ها تا میزان بسیار زیادی می‌توانند او را در پیشبرد اهدافش یاری رسانند، از این رو به تأمین مالی آن‌ها نیز پرداخت. منابع مالی برای فعالیت مدارس علمیه از دو راه تأمین می‌شد:

۱. بودجه دولتی؛
۲. اختصاص اوقاف^{۵۱} برای طلاب علوم دینی، به‌ویژه علمای شافعی. درآمد حاصل از موقوفه‌ها خرج مدارس علمیه و طلاب آن‌ها می‌شد و در برابر، آن‌ها برای براندازی مذهب اسماعیلیه در جامعه تلاش می‌کردند. بدین گونه، عالمان و حوزه‌های علمیه در خدمت صلاح الدین ایوبی قرار گرفتند تا او راحت‌تر بتواند اسماعیلیان و اعتقادات آن‌ها را به حاشیه ببرد.

ج. از بین بردن مراکز علمی فاطمیان و مبارزه با برگزاری مراسم شیعی: از دیگر اقدامات صلاح الدین ایوبی در رابطه با حذف مذهب تشیع، پیکار جدی او با

آموزه‌های شیعی بود. به موازات حمایت از علمای سنی و تأسیس و رونق بخشیدن به مدارس علمیه سنی‌ها، عالمان شیعه در غایت انزوا و دچار ظلم دستگاه حکومت بودند و مراکز علمی شیعه، تخریب یا تبدیل به مدارس علیمه سنی‌ها می‌شد. صلاح‌الدین در آغاز رسیدن به قدرت، دستور آتش زدن کتابخانه بزرگ فاطمیان را داد.^{۵۲} در رابطه با مراسم و بزرگداشت‌هایی که در مصر مرسوم بود نیز دست به مبارزه زد، از جمله این‌که روز عاشورا را به عنوان روز سرور و شادی اعلام کرد^{۵۳} و با این کار، مانع از انجام امور مذهبی توسط مردم شیعه شد.

نتیجه

از مقاله حاضر، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. با ورود صلاح‌الدین ایوبی به دستگاه خلافت فاطمی، تضعیف سازمان‌های دینی و اسماعیلی توسط وی آغاز شد، همو بود که به تقویت آیین اهل سنت پرداخت و با تعصب خاصی که داشت به این کار همت گمارد.
۲. او با اقدامات نظامی و فرهنگی، مثل برخورداری از حمایت علما و تأسیس و تقویت مدارس علمیه اهل تسنن به این مقاصد راه یافت.
۳. به رغم تمام اقداماتی که انجام داد ولی نتوانست به طور صد در صد و کامل مذهب تشیع را در مصر محو کند. صلاح‌الدین در راه زدودن مذهب اسماعیلیه (تشیع) به موفقیت‌های زیادی دست یافت.
۴. جلب رضایت خلافت عباسی و تعصب سنی‌گری صلاح‌الدین ایوبی دو عامل اساسی و اصلی برای توجیه فعالیت‌های صلاح‌الدین در براندازی تشیع در مصر به حساب می‌آید.
۵. اگرچه در مواقع ضروری از اقدام فیزیکی و نظامی هم برای از بین بردن شیعیان و عقایدشان استفاده می‌شد، ولی صلاح‌الدین به سبب سیاست زیرکانه‌اش در براندازی مذهب تشیع در مصر آرام حرکت می‌کرد. او که عاشق قدرت بود هرگز دوست نداشت در راه رسیدن به شوکت و قدرت ناکام بماند.

پی‌نوشت

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط، ج ۱، ص ۳۸۹.
۲. همو، اتعاض الحنفاء، ج ۱، ص ۱۴۶.
۳. سلطان، عبدالنعم، المجتمع المصری فی العصر الفاطمی، ص ۱۳۳.
۴. عبدالله ناصری، فاطمیان در مصر، ص ۱۱۰.
۵. همان، ص ۱۳.
۶. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۷ - ۶۸.
۷. همان.
۸. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۴۷.
۹. همان، ج ۲، ص ۳۳۸.
۱۰. همان، ج ۳، ص ۳۳۸.
۱۱. همان، ص ۲۷۱.
۱۲. ابو عبدالله محمد صنهاجی، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ص ۵۳.
۱۳. خطط، ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۷۱.
۱۴. خطط، ج ۱، ص ۴۲۷.
۱۵. خطط، ج ۲، ص ۵۷؛ ابوشامه، الروضتین، ج ۱، ص ۱۰.
۱۶. برای پی بردن به قدرت روزافزون وزیران در اواخر دوره فاطمی، ر.ک: مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط، ج ۱، ص ۳۳۸؛ همو، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۳، ص ۲۶۰ و ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۵، ص ۳۴۶.
۱۷. مقریزی، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۳، ص ۲۰۹.
۱۸. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۹۱.
۱۹. عبدالله ناصری، فاطمیان در مصر، ص ۹۷، به نقل از: مقریزی، اتعاض الحنفاء، ج ۳، ص ۲۲۹ - ۳۰۲.
۲۰. معرری سامی، قاموس الاعلام، ج ۴، ص ۲۹۶۴.
۲۱. درباره این لقب بحث‌هایی وجود دارد، از جمله این‌که همین لقب مایه کدورت خلافت عباسی با صلاح‌الدین شده است. جا دارد در تحقیق دیگری تعامل و تقابل صلاح‌الدین با خلافت عباسی بررسی شود. برای آگاهی بیشتر در این باره، ر.ک: عبدالله قلقشندی، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، ص ۲۶۶.
۲۲. عبدالله ایوبیان، نقش قهرمان شرق در پیشگاه تاریخ، ص ۲۴.
۲۳. شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله حموی، معجم المؤلفین، ص ۱۱۵ - ۱۴۰.
۲۴. مقریزی، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۳، ص ۳۰۸.
۲۵. فلیپ، تاریخ عرب، ص ۱۸۷.
۲۶. قاسم شماعی رفاعی، بعلبک فی التاریخ، ص ۴۵ - ۶۰.
۲۷. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط، ج ۲، ص ۲۷۱ - ۲۷۲.

۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. ابن اثیر، همان، ج ۱۱، ص ۳۳۶.
۳۱. ابن اثیر، همان، ج ۹، ص ۳۴۴.
۳۲. محمد سهیل طقّوش، دولت ایوبیان، ص ۳۴.
۳۳. مقریزی، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۳، ص ۳۲۷.
۳۴. محمد سهیل طقّوش، دولت ایوبیان، ص ۳۵، به نقل از: Ehrnkretz: pp.73-74.
۳۵. قاسم عبده، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.
۳۶. درباره همکاری و همدلی علما و فقها با صلاح‌الدین در صفحات بعد، بحث مفصلی خواهیم کرد.
۳۷. ابن واصل، مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، ج ۱، ص ۲۴۵.
۳۸. همان، ج ۱، ص ۲۴۴.
۳۹. محمد سهیل طقّوش، همان، ص ۴۳.
۴۰. ابن شداد، النوادر السلطانیة، ص ۹۰.
۴۱. مهدی رحیم‌زاده، جنگ‌های صلیبی، ج ۳، ص ۱۹۵.
۴۲. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۷، ص ۲۰۷.
۴۳. شهروزی، نزّهة الارواح و روضة الافراح فی تاریخ الحكماء و الفلاسفه، ص ۱۲۶.
۴۴. محمد سهیل طقّوش، همان، ص ۱۹۳.
۴۵. عبدالله ناصری، فاطمیان در مصر، ص ۹۹.
۴۶. عبداللطیف حمزه، الحركة الفكرية فی مصر فی العصرین ایوبی و المملوکی، ص ۴۵.
۴۷. محمد سهیل طقّوش، همان، ص ۶۴.
۴۸. همان، ص ۳۵.
۴۹. همان.
۵۰. عبدالله ناصری، فاطمیان در مصر، ص ۹۹.
۵۱. ابن خلدون، مقدمه، ص ۴۳۴.
۵۲. عبدالله ناصری، فاطمیان در مصر، ص ۹۹.
۵۳. همان.

منابع

- ابن اثیر، محمد بن عبدالکریم شیبانی، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره، ۱۳۷۵ م.
- ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ۱۳۵۹.
- ابن خلکان، وفيات الاعیان، تصحیح احسان عباسی، بیروت، ۱۹۷۷ م.
- ابن شداد، بهاءالدین، النوادر السلطانیة، تحقیق جمال الدین، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۹۴ م.
- ابن مأمون، جمال الدین ابوعلی موسی، اخبار مصر، تصحیح ایمن فؤاد، قاهره، المعهد العلمی الفرشی، ۱۹۸۳ م.
- ابن مسیر، محمد بن علی بن یوسف، اخبار مصر، تصحیح ایمن فؤاد، قاهره، المعهد العلمی الفرشی للآثار الشرقیة، ۱۹۸۱ م.
- ابن واصل، مفروج الکروب فی اخبار بنی ایوب، قاهره، ۱۹۵۳ م.
- ایوبیان، عبدالله، نقش قهرمان شرق در پیشگاه تاریخ، تهران، کتاب فروشی سعدی تهران.
- جمعی از نویسندگان، تاریخ تشیع، زیر نظر سیداحمد رضا خضری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- رحیم زاده، مهدی، جنگ های صلیبی، تهران، ۱۳۳۴.
- سلطان عبدالنعمیم، المجمعة المصری فی العصر الفاطمی، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۰۵ ق.
- شهاب الدین یاقوت بن عبدالله حموی، معجم المؤلفین، بیروت، دار صادر، [بی تا].
- شهرزی، شم الدین محمد بن محمود، نزہة الارواح و روضة الافراح فی تاریخ الحكماء و الفلاسفة، ترجمه ضیاء الدین درّی، تهران، چاپخانه دانش، ۱۳۱۶.
- شیخ قاسم الشماعی الرفاعی، بعلبک فی التاریخ، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- صنهاجی، ابو عبدالله محمد، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، تحقیق جلول احمد البدوی، الجزایر، المؤسسة الوطنیة، ۱۹۸۴ م.
- طقوش، محمد سهیل، دولت ایوبیان، ترجمه عبدالله ناصری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴.
- عبداللطیف، حمزه، الحركة الفکرية فی مصر العصرین ایوبی و المملوکی، قاهره، ۱۹۰۶ م.
- الحركة الفکرية فی مصر العصرین ایوبی و المملوکی، وزارة الثقافه و الارشاد القومی، المؤسسة المصریة العامه، [بی تا].
- عبده، قاسم، ماهیة الحروب الصلیبیة، کویت، المجلس الوطنی، ۱۴۱۰ ق.
- فلیپ، تاریخ عرب، ترجمه محمد سعیدی، تهران، ۱۹۵۹ م.
- قبادیانی، ناصر خسرو، سفرنامه، تحقیق محمود بیرسیاقی، تهران، ۱۳۷۰.
- مردوخ، محمد، تاریخ کرد و کردستان، تهران، ۱۳۲۶.
- مصری، عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر و اخبارها، قاهره، ۱۴۱۱ ق.
- معرری سامی، قاموس الاعلام، استانبول، ۱۸۸۱ م.
- مقریزی، احمد بن علی، اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق جمال الدین شیال، قاهره، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، ۱۳۸۷ ق.
- مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، قاهره، مکتب فرهنگی و دینی.
- مناوی، محمد حمیدی، الوزارة و الوزراء فی العصر الفاطمی، قاهره، ۱۹۷۰ م.
- ناصری، عبدالله، فاطمیان در مصر، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، تصحیح محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، چاپخانه حیدریه، ۱۳۵۵ ق.
- هاینس هالم، فاطمیان و سنت های تعلیمی و علمی آنها، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۷۷.